

آسیب‌شناسی نظارت شرعی در نظام بانکی ایران و ارائه اصلاح‌های قانونی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۸/۱۰ تاریخ تأیید: ۱۳۹۳/۱۱/۸

* سیدعباس موسویان
** حسین میسمی

چکیده

نظارت شرعی یکی از اجزای اصلی در اجرای صحیح بانکداری بدون ربا بوده و کم‌وبیش در تمام کشورهای ایران، که به صورتی بانک‌های بدون ربا و اسلامی را راه‌اندازی کرده‌اند جدی پی‌گیری می‌شود. در نظام بانکی ایران، خلأهای جدی در این باره وجود دارد که مهم‌ترین آنها سکوت قانون عملیات بانکی بدون ربا و دیگر قوانین و مقررات درباره پایش اجرای صحیح بانکداری براساس ضوابط شرعی است. در تحقیق پیش رو که به روش توصیفی - تحلیلی انجام می‌گیرد به تحلیل مقوله نظارت بر انطباق روابط موجود در نظام بانکی با ضوابط شرعی پرداخته شده و توصیه‌هایی سیاستی جهت اجرایی‌سازی نظارت شرعی بر بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی کشور پیشنهاد می‌شود. افزون بر این به منظور هموار کردن زمینه‌های قانونی راه‌اندازی نظارت شرعی، نمونه‌ای پیشنهادی از قوانین و مقررات لازم در سه سطح «اضافه‌شدن فصلی مستقل به قانون عملیات بانکی بدون ربا درباره نظارت شرعی»، «تدوین آیین‌نامه اجرایی فصل قانونی پیش‌گفته در جهت تشکیل شورای فقهی بانک مرکزی» و «تهیه چک لیست‌های نظارت شرعی از شعبه‌ها» ارائه می‌شود.

واژگان کلیدی: نظارت شرعی، شورای فقهی، حاکمیت شرعی، انطباق با شریعت، بانکداری اسلامی. طبقه‌بندی JEL: Z10، O16، O10، L87.

۱۰۱

فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی / سال چهاردهم / شماره ۵۴ / تابستان ۱۳۹۳

Email: samosavian@yahoo.com.

* دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

** کارشناس ارشد پژوهشکده پولی و بانکی و دانشجوی دکتری رشته اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع)

Email: meisami@isu.ac.ir.

(نویسنده مسئول).

مقدمه

بر اساس بند اول ماده یک قانون عملیات بانکی بدون ربا (مصوب ۱۳۶۲) نخستین هدف نظام بانکی «استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل (با ضوابط اسلامی) به منظور تنظیم گردش صحیح پول و اعتبار در جهت سلامت و رشد اقتصاد کشور» است. فراهم کردن زمینه‌های تحقق چنین هدفی بر عهده بانک مرکزی بوده و لازم است؛ اما بررسی تجربه نظام بانکی کشور در سه دهه اخیر نشان می‌دهد که نظارت بر اجرای بانکداری بدون ربا وضع مطلوبی دارد و به‌رغم تمام پیشرفت‌های به دست آمده همچنان چالش‌های فراوانی وجود دارد که این خود ضرورت اصلاح وضع موجود را مطرح می‌کند (موسویان و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۱۱).

اهمیت این موضوع زمانی بهتر درک می‌شود که توجه شود گرچه جمهوری اسلامی ایران از جمله معدود کشورهایی است که در آن قانون عملیات بانکی بدون ربا زودتر از بسیاری کشورها به تصویب رسیده و برخلاف بسیاری از کشورها، نظام بانکداری اسلامی در کل کشور اجرا می‌شود و بزرگ‌ترین بانک‌های جهان اسلام نیز در این کشور مشغول به فعالیت هستند؛ اما مسئله نظارت بر شرعی بودن عملیات بانکی آن‌طور که انتظار می‌رود انجام نمی‌شود. بنابراین این یک واقعیت است که بعد از گذشت حدود سه دهه از تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا، هنوز هم برخی از عالمان، نخبگان و عامه مردم درباره انطباق فعالیت‌های بانکی با آموزه‌های شرعی تردید دارند (موسویان و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۵). به نظر می‌رسد لازم است با استفاده از تجربه‌های بانک‌های اسلامی در دیگر کشورها درباره راه‌اندازی نظارت شرعی، الگوی نظارتی خاص، جهت پایش اسلامی بودن عملکرد بانک‌ها ارائه شده و جهت اجرا در اختیار بانک مرکزی قرار گیرد.

تحقیق پیش رو می‌کوشد تا ضمن تعریف نظارت شرعی و تبیین ضرورت آن به شناسایی الگوهای اجرا شده این نوع نظارت در دیگر کشورها پرداخته و توصیه‌هایی سیاستی جهت اجرایی‌سازی نظارت شرعی در نظام بانکی کشور ایران ارائه دهد. در آنچه در پی می‌آید ابتدا به تعریف و ضرورت نظارت شرعی پرداخته شده و پس از آن، بر روی مقایسه الگوهای گوناگون نظارت شرعی در دیگر کشورها تمرکز می‌شود. در ادامه به آسیب‌شناسی وضع موجود نظارت شرعی در نظام بانکی کشور ایران پرداخته شده و

ویژگی‌های الگوی مطلوب نظارت شرعی تبیین می‌شود. سرانجام منافع و هزینه‌های احتمالی راه‌اندازی نظارت شرعی در نظام بانکی کشور تبیین شده و توصیه‌هایی سیاستی جهت اجرایی‌سازی نظارت شرعی بر بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی ارائه می‌شود.

پیشینه تحقیق

مقوله نظارت شرعی بر بانک‌های اسلامی از جمله بحث‌هایی است که از دید علمی خیلی کم مورد توجه محققان و پژوهشگران واقع شده است. تحقیق‌هایی به زبان انگلیسی و فارسی در این باره انجام شده که در این قسمت گزارش می‌شود.

زولکفلی (۲۰۱۰) به بررسی کامیابی‌ها و چالش‌های راه‌اندازی الگوی نظارت شریعت در برخی از کشورهای اسلامی پرداخته و می‌کوشد تجربه‌های گوناگون را در گروه‌های گوناگون طبقه‌بندی کند. یافته‌های تحقیق پیش رو نشان می‌دهد نظارت شرعی مدل واحدی نداشته و کشورهای گوناگون با توجه به ساختارهای متفاوت سطحی از بانکداری اسلامی که اجرا می‌کنند به استفاده از الگوهای گوناگون نظارت شرعی اقدام کرده‌اند.

زولکفلی (۲۰۱۱) با استفاده از روش تحقیق کیفی به جمع‌آوری و تحلیل دیدگاه‌های افراد عضو در شوراهای شریعت برخی بانک‌های اسلامی می‌پردازد. در این تحقیق کوشیده می‌شود تا دیدگاه صاحب‌نظران درباره وجود پنج ویژگی: مناسب بودن حاکمیت شرکتی، میزان استقلال شورای شریعت در بانک یا مؤسسه مالی اسلامی، رقابت بین اعضای کمیته فقهی، شفافیت عملکرد اعضا و افشای صحیح و به موقع اطلاعات درباره وضعیت مؤسسه از دید شریعت در کمیته‌های فقهی جمع‌آوری شود.

موسویان و دیگران (۱۳۸۸) به روش توصیفی و تحلیلی می‌کشوند تا این فرضیه را به اثبات رسانند که تشکیل شورای فقهی، سطح مشروعیت و کارایی بانک‌های اسلامی را ارتقا داده و چنین نهادی با نظارت بر انطباق قوانین و عملکرد بانک‌ها با موازین اسلامی، فضای اعتماد به نفس را برای کارگزاران و اطمینان را برای مشتریان بانک فراهم می‌کند.

موسویان و دیگران (۱۳۹۱) به بررسی «حاکمیت شرعی» در بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی اسلامی انگلستان و مقایسه آن با بانک‌های ایران می‌پردازند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که تمامی بانک‌های اسلامی فعال در انگلستان به تشکیل شورای فقهی اقدام کرده و این

شورا بر انطباق با شریعت فعالیت‌های بانک نظارت دارد؛ اما در ایران به‌طور معمول بانک‌های کشور شورای فقهی نداشته و شورای فقهی فقط در بانک مرکزی تشکیل شده است. با بررسی ادبیات موجود می‌توان به این نتیجه رسید که تمرکز اصلی تحقیق‌های گذشته بر روی ضرورت تشکیل و کارکردهای شورای فقهی در بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی بوده و کمتر به شناسایی الگوهای موجود نظارت شرعی در دیگر کشورها، آسیب‌شناسی تجربه کشور ایران، بررسی منافع و چالش‌های راه‌اندازی نظارت شرعی در نظام بانکی کشور و سرانجام تبیین نیازهای قانونی و مقرراتی درباره توسعه نظارت شرعی پرداخته شده است؛ از این رو به‌نظر می‌رسد تحقیق پیش رو نوآوری داشته باشد.

تعریف و ضرورت نظارت شرعی

بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی اسلامی لازم است ویژگی‌های خاصی را داشته باشند و مقام ناظر وظیفه دارد همواره وجود این ویژگی‌ها را مورد ارزیابی و پایش قرار دهد. برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های لازم در عملیات بانکداری اسلامی عبارت هستند از: عادلانه‌بودن تمام روابط و مناسبت‌ها، سازگاری تمام رفتارها با اخلاق اسلامی و تأمین اصول، مبانی، قواعد و دستورهای فقهی در حوزه معامله‌ها (مانند عدم اکل مال به باطل، عدم وجود ربا، عدم وجود غرر، عدم وجود ضرر و سرانجام درک صحیح طرفین از ماهیت روابط و وجود قصد معامله). بنابراین طبیعی است که نظارت بر بانک‌های اسلامی در برخی از حوزه‌ها، متفاوت از نظارت بانکی سنتی باشد (قطان، ۲۰۰۶م، ص ۳۱).

به عبارت دیگر، مسئله نظارت بر بانک‌های اسلامی بُعدهای خاصی پیدا می‌کند که یکی از موارد آن، «ریسک شریعت» (Shariah risk) که چنین تعریف می‌شود:

ریسک شریعت، خطری است که نظام بانکی به‌علت عدم انطباق فعالیت‌هایش با اصول و قوانین شریعت مقدس اسلام ممکن است با آن روبه‌رو شود (سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسه‌های مالی اسلامی، ۲۰۱۰م، ص ۴۲).

بر این اساس نظارت شرعی نیز به این صورت قابل تعریف است:

نظارت شرعی تمام اقدام‌های احتیاطی و نظارتی به منظور اطمینان از انطباق فعالیت‌های بانک یا مؤسسه مالی اسلامی با اصول و قوانین شریعت مقدس اسلام است. هدف از این نظارت سرانجام دستیابی به اقدام‌ها، فعالیت‌ها، تدبیرها، اصول و روش‌هایی است که به وسیله

آنها بتوان ریسک شریعت در نظام بانکی (به‌طور عام) یا یک مؤسسه مالی یا بانک اسلامی (به‌طور خاص) را حداقل کرد» (همان، ص ۵۳).

مقایسه الگوهای گوناگون نظارت شرعی در دیگر کشورها

بررسی تجربه نظارت شرعی و حداقل‌سازی ریسک شریعت در سطح بین‌المللی از آن حاکی است که اکثر بانک‌ها و مؤسسه‌های اسلامی فعال در دیگر کشورها به تعبیرهای گوناگونی مانند شورای تخصصی فقهی، شورای فقهی، شورای شریعت، کمیته شریعت و ... به این موضوع پرداخته‌اند (هیئت خدمات مالی اسلامی (IFSB)، ۲۰۰۹م، ص ۳).

شوراهای فقهی بانک‌های اسلامی وظیفه‌هایی مانند تنظیم قراردادها و دستورالعمل‌های اجرایی مطابق با ضوابط شرعی، ارائه خدمات آموزشی درباره اصول شریعت به مدیران و کارکنان، ارائه مشورت شرعی به مشتریان، پاسخ به پرسش‌های شرعی ذی‌نفعان، مشاوره‌های موردی به مدیران ارشد، ارائه مشاوره انتخاب عقد به تسهیلات‌گیرندگان، انجام بازرسی‌های شرعی در جهت تضمین اجرای صحیح عقدها، تدوین گزارش سالانه انطباق با شریعت و تقویت برند و جایگاه بانک درباره بانکداری اسلامی بر عهده دارند (موسویان و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۹ / کمسیون اوراق بهادار مالزی، ۱۳۸۵، ص ۱۱).

بررسی دقیق‌تر این تجربه‌ها نشان می‌دهد که کشورهای گوناگون درباره نظارت شرعی الگوی‌ها متفاوتی را اجرا کرده‌اند که تفاوت‌های قابل توجهی دارند؛ مانند: سطح نظارت (که در داخل بانک‌ها اجرا شده یا به وسیله نهادی مرجع مانند بانک مرکزی یا هر دو) اختیارات ناظران شرعی بانک‌ها (که می‌تواند مشورتی، نظارتی یا اجرایی باشد)، اختیارات ناظران شرعی مرجع (ناظران بانک مرکزی یا دولت)، مرجع انتخاب‌کننده اعضای شورای فقهی بانک (که می‌تواند هیئت مدیره یا مجمع عمومی بانک باشد)، اجباری یا اختیاری بودن نظارت شرعی، مرجع عالی حل اختلاف (جهت حل اختلاف‌هایی که ممکن است بین اعضای شورای فقهی پدید آید) و وجود قانون واحد که در برخی کشورها قانون واحدی برای شوراهای فقهی در بانک‌ها وجود دارد و در برخی دیگر ندارد.

جدول ۱: شباهت‌ها و تفاوت‌های نظارت‌های شرعی در کشورهای گوناگون*

شاخص‌ها نام کشور	سطح نظارت	اختیارهای ناظران شرعی بانک‌ها	اختیارهای ناظران شرعی مرجع	مرجع انتخاب‌کننده	اجباری یا اختیاری بودن نظارت شرعی	مرجع عالی حل اختلاف	وجود قانون واحد
مالزی	بانک مرکزی و بانک‌ها	مشورتی، نظارتی و اجرایی	مشورتی، نظارتی و اجرایی	هیئت مدیره بانک	اجباری	شورای ملی مشورتی شریعت	بله
امریکا	بانک‌ها	مشورتی و نظارتی	-	هیئت مدیره بانک	اختیاری	-	خیر
عربستان	بانک‌ها	مشورتی، نظارتی و اجرایی	-	مجمع عمومی بانک	اختیاری	کمیته حل اختلافات	خیر
اندونزی	بانک مرکزی و بانک‌ها	مشورتی، نظارتی و اجرایی	مشورتی، نظارتی و اجرایی	هیئت مدیره بانک	اجباری	هیئت مالی شریعت	بله
بحرین	بانک مرکزی و بانک‌ها	مشورتی، نظارتی و اجرایی	مشورتی و نظارتی	هیئت مدیره بانک	اجباری	هیئت ملی مشورتی شریعت	بله
امارات متحده عربی	دولت و بانک‌ها	مشورتی، نظارتی و اجرایی	مشورتی، نظارتی و اجرایی	هیئت مدیره بانک	اجباری	مرجع عالی شریعت	بله
کویت	بانک‌ها	مشورتی، نظارتی و اجرایی	-	مجمع عمومی بانک	اجباری	کمیته فتاوا (وزارت اوقاف)	بله
قطر	بانک‌ها	مشورتی، نظارتی و اجرایی	-	هیئت مدیره بانک	اجباری	شورای عالی شریعت	بله
انگلستان	بانک‌ها	مشورتی و نظارتی	-	هیئت مدیره بانک	اختیاری	-	خیر

* اطلاعات این جدول با مراجعه به تارنمای بانک‌های اسلامی فعال در کشورهای گوناگون و نیز قوانین مرتبط با بانکداری اسلامی استخراج شده است.

به منظور تحلیل بهتر می‌توان با در نظر گرفتن سه شاخص اصلی «وجود قانون واحد درباره نظارت شرعی»، «وجود نهاد نظارت شرعی مرجع در بیرون از مؤسسه» و «اجباری یا اختیاری بودن نظارت شرعی» تجربه تمام کشورها را در سه گروه جا داد که عبارت هستند از: **الف) رویکرد حداقلی:** برخی کشورها مانند عربستان، انگلستان، امریکا درباره نظارت شرعی رویکرد حداقلی دارند. به این معنا که باور دارند هر چند وجود نظارت شرعی بر بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی اسلامی ضروری است اما این نظارت باید در حداقل‌های ممکن باشد.

ب) رویکرد حداکثری: در برخی دیگر از کشورها مانند مالزی، اندونزی، بحرین و امارات، رویکرد نظارت شرعی حداکثری است.

ج) رویکرد میانی: این رویکرد در حقیقت حد فاصل دو رویکرد پیشین است و در برخی از کشورها مانند کویت و قطر مورد استفاده واقع شده است.

شاید هنوز نتوان گفت که کدام یک از الگوهای نظارت شرعی کاربردی‌تر از دیگری است اما یک نکته را می‌توان از این اختلاف در تجربه‌ها برداشت کرد و آن اینکه هر یک از کشورها با توجه به شرایط و ساختار اجتماعی، قوانین بالادستی، مکتب فقهی رایج و غالب، میزان اسلامی بودن فضای جامعه و نیز تقاضای مشتریان به تعدیل الگوی نظارت شرعی خود پرداخته است.

آسیب‌شناسی وضع موجود نظارت شرعی در نظام بانکی ایران

گرچه ایران از جمله کشورهایی است که در آن قانون بانکداری بدون ربا به تصویب رسیده و تمام مؤسسه‌های اعتباری براساس بانکداری بدون ربا به فعالیت مشغول هستند و بانکداری متعارف در آن جایی ندارد و از طرفی بزرگترین بانک‌های جهان اسلام نیز در این کشور قرار دارند* اما مسئله نظارت بر شرعی بودن عملیات بانکی آن‌طور که انتظار می‌رود انجام نمی‌شود و بعد از گذشت بیش از سه دهه از تصویب قانون عملیات بانکی

* به گزارش نشریه بنکر، ایران با داشتن دارایی اسلامی بالغ بر ۳۸۷ میلیارد و ۹۵۲ میلیون دلار، رتبه نخست را در بین ۱۵ کشور برتر از لحاظ کل دارایی اسلامی در سال ۲۰۱۱، دارد. در این میان بانک ملی ایران با داشتن بالغ بر ۶۴ میلیارد و ۱۷۸ میلیون دلار دارایی، بیشترین حجم دارایی اسلامی را در میان بانک‌های مورد مقایسه داشته و رتبه اول ۵۰۰ بانک اسلامی برتر جهان را دارد.

بدون ربا هنوز هم برخی از عالمان، نخبگان و عامه مردم در انطباق کامل فعالیت‌های بانکی با آموزه‌های شرعی تردید دارند.*

در ایران پس از تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا در سال ۱۳۶۲، هیچ نهاد، سازمان یا بخشی خود را متعهد به پی‌گیری و نظارت بر اجرای صحیح قانون ندانسته است. به‌نظر می‌رسد این پیش‌فرض در ذهن مسئولان و مجریان شکل گرفته که تأیید قانون عملیات بانکی بدون ربا به‌وسیله شورای نگهبان و اثبات عدم مغایرت آن با آموزه‌های شرع و قانون اساسی، خود تضمین‌کننده اجرای صحیح آن نیز است و تصویب این قانون، اسلامی‌شدن نظام بانکی را تضمین می‌کند. این در حالی است که اجرای صحیح قانون بانکداری بدون ربا به موارد دیگری غیر از قانون نیاز دارد که پرداختن به آنها خارج از مأموریت شورای نگهبان است.

هر چند قانون عملیات بانکی بدون ربا درباره نظارت شرعی کامل ساکت بوده و تدبیری به منظور نظارت بر اجرای صحیح قانون در عمل ارائه نداده است؛ اما در چند سال اخیر توجه مسئولان بانکی به مسئله ضرورت نظارت شرعی بر عملکرد بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی، معطوف شده است؛ به‌طوری که در سال ۱۳۸۳ شورای به نام «شورای مشورتی بانکداری و مالیه اسلامی» در پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی تشکیل شد. این شورا که متشکل از صاحب‌نظران فقهی، اقتصادی و بانکی بود، مسائل و شبهه‌های شرعی مطرح در عرصه بانکداری بدون ربا مورد بحث و بررسی قرار داده و پیشنهادهایی جهت اصلاح وضع موجود ارائه می‌کرد. همچنین این شورا در مواردی با بررسی ابزارهای جدید بانکی، پیشنهادهایی به شورای پول و اعتبار ارائه می‌کرد.

این شورا بعد از حدود دو سال فعالیت به معاونت بانکی وزارت امور اقتصادی و دارایی منتقل شد و با ترکیبی منسجم‌تر به بررسی مشکل‌ها و مانع‌های اجرای صحیح بانکداری بدون ربا پرداخت. این روند ادامه داشت تا اینکه بعد از تغییرهای مدیریتی در بانک مرکزی و در ابتدای سال ۱۳۸۸، شورای در بانک مرکزی به نام شورای فقهی بانک مرکزی جمهوری

* آیت‌الله نوری‌همدانی: «متأسفانه ربا هنوز در بانک‌های ایران وجود دارد و فقط شکل آن تغییر کرده است» (به نقل از سایت <http://alef.ir/1388/content/view/92476>).

اسلامی ایران تشکیل شد. این شورا که متشکل از صاحب‌نظران فقهی، اقتصادی و بانکی است، در عرصه نظارت بر انطباق ابزارهای جدید پیشنهادی با موازین شرعی، فعالیت می‌کند. این شورا گرچه جایگاه رسمی و قانونی ندارد اما مصوبه‌های فراوانی در زمینه‌های گوناگون داشته است (موسویان و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۱۳).

درباره عملکرد شورای مشورتی فقهی بانک مرکزی لازم است به این نکته توجه شود که به‌علت آنکه این شورا ماهیتی مشورتی داشته و جایگاه رسمی و قانونی در ساختار سازمانی بانک مرکزی ندارد؛ بنابراین در چند سال اخیر شاهد آن بوده‌ایم که تغییرهای مدیریتی بانک مرکزی در تشکیل یا عدم تشکیل جلسه‌های شورا یا نوع برگزاری جلسه‌ها اثرهای فراوانی داشته است؛ به‌طور مثال، اگر رئیس کل یا معاونان مرتبط به بحث‌های بانکداری اسلامی باور بیشتری داشته باشند، جلسه‌های شورای فقهی منظم‌تر برگزار می‌شود و برعکس. به‌نظر می‌رسد این خود یک آسیب در عملکرد شورای فقهی بانک مرکزی است.

با توجه به این مطالب و با در نظر گرفتن شاخص‌هایی که در بخش پیش از تجربه‌های کشورهای دیگر مطرح شد می‌توان ادعا کرد که موضوع نظارت شرعی در نظام بانکی کشور ایران ویژگی‌های خاصی دارد:

۱. بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی به تأسیس کمیته فقهی ملزم نیستند (هر چند برخی از بانک‌ها به‌صورت خودجوش چنین شورایی تشکیل داده‌اند).
۲. شورای فقهی بانک مرکزی به‌عنوان مرجع عالی فقهی در حوزه بانکداری اسلامی، جایگاه قانونی نداشته و فقط اختیارات مشورتی دارد.
۳. هیچ‌گونه قانونی درباره نظارت شرعی وجود ندارد.
۴. هیچ بخشی در داخل بانک مرکزی یا در داخل بانک‌ها مسئولیت شرعی بودن عقدهای مورد استفاده در مؤسسه، فهم صحیح طرفین امضاکننده عقدها در بانک نسبت به ماهیت آنچه که امضا می‌کنند و ... که همگی جزو ابتدایی‌ترین پیش‌فرض‌های اجرای صحیح قانون عملیات بانکی بدون ربا در کشور هستند را بر عهده ندارد.

با توجه به این نکته‌ها می‌توان ادعا کرد الگوی فعلی نظارت شرعی در ایران در سطحی پایین‌تر از گروه نظارت حداقلی قرار می‌گیرد و این برای کشوری مانند ایران که تمام عملیات بانکی باید بدون ربا باشد و از طرفی هر یک از بانک‌ها هزاران شعبه در شهرها و روستاهای

گوناگون دارند به هیچ‌وجه مناسب نبوده و لازم است به سمت رویکردهای دیگر (به‌ویژه رویکرد حداکثری) جهت‌گیری شود.

منافع و چالش‌های احتمالی راه‌اندازی نظارت شرعی در نظام بانکی

با توجه به اینکه بانک اسلامی مؤسسه خیریه نبوده و لازم است در کنار توجه به شرعی بودن فعالیت‌هایش به مسئله سودآوری و درآمدزایی (کارایی) نیز توجه کند، لازم است پیش از راه‌اندازی نظارت شرعی، تحلیل هزینه - فایده مشخصی برای خود انجام دهد. از این‌رو بانک یا هر مؤسسه اعتباری که قصد دارد در مقوله نظارت شرعی وارد شود، باید با درک صحیح تمام منافع و چالش‌های احتمالی در این راه پا بگذارد. در ادامه به برخی از مهم‌ترین منافع احتمالی که راه‌اندازی نظارت شرعی می‌تواند برای مؤسسه اعتباری پدید آورد، اشاره شده و پس از آن به چالش‌های احتمالی نیز پرداخته می‌شود.

۱. منافع

راه‌اندازی نظارت شرعی در بانک؛ منافع خاصی به همراه دارد که برخی از آنها عبارت هستند از:

الف) درون‌زا کردن نظارت شرعی

در حقیقت پیش از آنکه ناظران بانک مرکزی، سازمان‌های نظارتی یا نهادهای دیگری مانند مراجع تقلید بخواهند درباره شرعی بودن عملیات مؤسسه اظهار نظر کنند، بخش نظارت شرعی که در مؤسسه شکل گرفته است به خوبی به این موضوع توجه کرده و در صورت نیاز می‌تواند به صورت مستدل، پاسخ‌گوی پرسش‌های نهادهای نظارتی نیز باشد.

ب) تنظیم قراردادها و دستورالعمل‌های اجرایی

اجرای صحیح قانون عملیات بانکی بدون ربا در بانک یا مؤسسه اعتباری، نیازمند تنظیم قراردادها و دستورالعمل‌های اجرایی صحیح است. در حال حاضر هر چند اداره‌ها یا بخش‌های حقوقی بانک‌ها درباره قانونی بودن قراردادها و دستورالعمل‌های اجرایی تاکید دارند؛ اما به‌طور معمول در این بخش‌ها بیشتر از ضوابط شرعی به معیارهای حقوقی و استفاده از آنها در جهت حداکثر کردن منافع بانک توجه می‌شود؛ از این‌رو، یکی از کارویژه‌ها و منافع

تأسیس بخش نظارت شرعی در بانک یا مؤسسه اعتباری، تضمین مقوله انطباق با شریعت قراردادهای و دستورالعمل‌های اجرایی است.

ج) ارائه خدمات آموزشی به مدیران و کارکنان

یکی از کارویژه‌ها و خدماتی که شورای فقهی می‌تواند به مؤسسه اعتباری ارائه دهد، آموزش مداوم مدیران و کارکنان است. اجرای بانکداری بدون ربا در بانک کار ساده‌ای نبوده و نیاز به انجام آموزش‌های مرتبط دارد؛ به‌طور نمونه، در حالی که بانک‌ها و دریافت‌کنندگان تسهیلات در نظام ربوی سازکار ساده محاسبه بهره را بدون پیچیدگی فراوان انجام می‌دهند، در بانکداری بدون ربا ایران، بخش بزرگی از عملیات بانکی بدون ربا به قراردادهایی مربوط است که بانک در آنها نقش واسطه و وکیل را ایفا می‌کند و از نظر شرعی - حقوقی بسیاری از وجوه به مالکیت بانک‌ها در نمی‌آید و عنوان بدهی بانک به اشخاص و مؤسسه‌ها را نمی‌یابد؛ در نتیجه بانک در استفاده از وجوه آزادی کامل نداشته و باید آن را در راه‌هایی صحیح و تعیین‌شده به‌کار گیرد.

در سمت تخصیص منابع نیز عقودهای گوناگون مبادله‌ای و مشارکتی مورد استفاده بانک قرار می‌گیرد که لازم است درک درستی نسبت به آنها در مدیران و کارمندان بانک وجود داشته باشد. به‌طور حتم از مدیر یا کارمندی که خود هنوز تفاوت‌های شرعی موجود بین عقودهای گوناگون اسلامی و حقوق مشتری و بانک در هر یک از آنها را به درستی درک نکرده است، نمی‌توان انتظار داشت که پاسخ‌گوی نیازها و پرسش‌های مشتریان باشد و عقودهای شرعی را به‌صورتی صحیح اجرایی کند. اهمیت این موضوع زمانی بهتر درک می‌شود که توجه شود که عقودهایی که امروزه در نظام بانکی استفاده می‌شود، به‌طور معمول ترکیبی از چند عقد است که گاه به‌صورت شرط ضمن عقد در کنار هم قرار می‌گیرند. این خود باعث می‌شود درک صحیح این فرایندها مشکل شده و نیاز به آموزش مدیران و کارمندان پدید آید.

د) ارائه مشورت شرعی به مشتریان

مشتریان بانک یا مؤسسه اعتباری چه سپرده‌گذار باشند و چه دریافت‌کننده تسهیلات، به‌طور معمول اطلاعات کافی درباره عقودهایی که امضا می‌کنند و نیز حقوق و تکلیف‌هایی که در

هر یک از عقود متوجه آنها است، اطلاعی ندارند. زمانی مسئله پیچیده تر می شود که به موضوع ترکیب عقود توجه شود چرا که به طور معمول شبکه بانکی ترکیبی از عقود را استفاده شده و در ذیل عنوان اصلی قرارداد و در شروط ضمن عقد، از عقود دیگر نیز استفاده می کند. از طرفی با توجه به اینکه سپرده گذار یا تسهیلات گیرنده یک طرف حقوقی را شکل می دهد که در برابر بانک قرار می گیرد، لازم است نسبت به اصل قرارداد و نیز شروط ضمن آن «قصد» کند که پیش نیاز بدیهی آن، شناخت عقود است.

شایان ذکر است که اگر مشتری درک درستی از عقدهایی که امضا می کند نداشته باشند، چالش های فقهی - حقوقی مشخصی را پدید خواهد آورد و گاهی حتی به بطلان قرارداد و حرمت سود حاصل از معامله (و در نتیجه اکل مال به باطل یا ربا) می انجامد؛ بنابراین نقش شورای فقهی در این باره برجسته بوده و می تواند در جهت کاهش مشکل های احتمالی به بانک و مؤسسه اعتباری کمک کند.

ه) پاسخ به پرسش های شرعی ذی نفعان (مدیران، کارکنان و مشتریان)

افرادی که در نظام بانکی حضور دارند به کرات مشاهده کرده اند که برخی از ذی نفعان (شامل مدیران، کارکنان و مشتریان) درباره فعالیت های بانکی پرسش های شرعی خاصی دارند. در حال حاضر در اکثر بانک ها و مؤسسه های اعتباری کشور ساختار مشخصی به منظور پاسخ به این پرسش ها طراحی نشده است. این در حالی است که به نظر می رسد یکی دیگر از کارویژه های شورای فقهی، پاسخ گویی به پرسش های شرعی ذی نفعان بانک باشد. در این باره شورای فقهی می تواند با ورود در فضای مجازی و فراهم کردن ساختاری مشخص، امکان پاسخ گویی به پرسش های شرعی ذی نفعان در تمام شعبه های بانک و مؤسسه اعتباری را فراهم کند.

شاید در نگاه نخست این طور پیشنهاد شود که افرادی که پرسش های شرعی دارند می توانند از دفترهای مراجع بپرسند؛ اما باید توجه کرد در حالی که به طور معمول پرسش های مشتریان بانک جزئی و موردی و گاهی خاص یک بانک یا مؤسسه اعتباری است، پاسخ های دفترهای مراجع کلی بوده و تشخیص مصداق را بر عهده پرسش کننده می گذارند که به طور معمول از انجام این کار عاجز است؛ بنابراین دفترهای مراجع تقلید در

این باره نمی‌تواند به‌طور کامل جایگزین شورای فقهی باشد که از نزدیک در جریان امور و فعالیت‌ها قرار دارد.

و) مشاوره‌های موردی به مدیران ارشد

یکی دیگر از کارویژه‌های شورای فقهی بانک یا مؤسسه اعتباری، ارائه خدمات مشورتی موردی به مدیران ارشد است. در حقیقت مؤسسه ممکن است در ضمن فعالیت‌های خود با مسائلی برخورد کند که ورود در آنها نیازمند مشورت‌های شرعی مرتبط است؛ به‌طور مثال اگر مؤسسه قصد داشته باشد تا سپرده‌ای خاص راه‌اندازی کند یا اینکه قصد مشارکت با بانک‌های اسلامی در دیگر کشورها- که براساس فقه اهل سنت به فعالیت مشغول هستند- داشته باشد، مدیران ارشد به منظور تصمیم‌گیری صحیح نیازمند مشورت فقهی خواهند بود و شورای فقهی می‌تواند در این باره نقش ایفا کند.

ز) ارائه مشاوره انتخاب عقد به تسهیلات‌گیرندگان

گیرندگان تسهیلات یک بانک یا مؤسسه اعتباری نیازهای یکسانی ندارند (تسهیلات را برای موارد گوناگونی نیاز دارند) و از طرف دیگر، مؤسسه نیز با استفاده از عقود گوناگونی که هر یک شرایط خاصی دارند تسهیلات ارائه می‌دهد، لازم است ارتباط صحیحی بین «نیاز موجود» و «عقد مورد استفاده» شکل بگیرد، ناظران شرعی می‌توانند به خوبی در شکل‌گیری این ارتباط نقش ایفا کنند.

اهمیت این مسئله زمانی بهتر درک می‌شود که توجه شود در حال حاضر متأسفانه یکی از معضله‌های جدی درباره اسلامی‌بودن عملکرد نظام بانکی، مسئله صوری‌شدن فعالیت‌هاست که به‌نظر می‌رسد یکی از علل اصلی آن، عدم تطابق بین نیاز گیرنده تسهیلات و عقد مورد استفاده است؛ به‌طور مثال، فردی در مراجعه به بانک نیازمند تسهیلاتی جهت خرید خودرو است اما به‌علت ناآشنائی از عقد جعله استفاده می‌کند یا فردی که نیازمند تسهیلاتی جهت درمان پزشکی است از فروش اقساطی استفاده می‌کند؛ بنابراین وجود مشاوران شریعت در بانک یا مؤسسه اعتباری می‌تواند زمینه پدیدآمدن ارتباط بین نیازها و عقود مورد استفاده را فراهم کند.

ح) انجام بازرسی‌های شرعی در جهت تنظیم اجرای صحیح عقدها

یکی از کارویژه‌های اساسی و مهم شورای فقهی انجام بازرسی و نظارت حضوری در محل (On-site) است. در حقیقت شورای فقهی بانک یا مؤسسه اعتباری وظیفه دارد تا به صورت سرزده و موردی به تعدادی از شعبه‌های مراجعه و با چک‌لیست‌هایی که از پیش تهیه شده و به تأیید رسیده است، نسبت به تهیه گزارش انطباق با شریعت از شعبه اقدام کند. این گزارش در جلسه شورای فقهی مطرح شده و اشکال‌های موجود همراه با نکته‌های اصلاحی به شعبه‌ها مرتبط ارسال می‌شود. انجام این نوع از نظارت و همراه‌ساختن آن با تدبیرهای تشویقی - تنبیهی برای شعبه‌های گوناگون، زمینه اجرای صحیح و غیرصوری بانکداری بدون ربا را بسیار افزایش می‌دهد.

ط) تدوین گزارش سالانه انطباق با شریعت

یکی از حقوق ذی‌نفعان بانک یا مؤسسه اعتباری اسلامی (مدیران، کارکنان، مشتریان، حاکمیت و عموم مردم) این موضوع است که بدانند مؤسسه‌ای که با آن ارتباط دارند تا چه میزان فعالیت‌هایش با شریعت منطبق است. در این جهت یکی از کارویژه‌های شورای فقهی بانک یا مؤسسه اعتباری، تدوین گزارش انطباق با شریعت است. این گزارش که به طور معمول به صورت سالانه تدوین شده و به مجمع عمومی بانک و سپرده‌گذاران ارائه می‌شود، درباره میزان انطباق با شریعت فعالیت‌ها اظهار نظر کیفی می‌کند.

ی) تقویت برند و جایگاه مؤسسه درباره بانکداری اسلامی

در حال حاضر بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری کوشش و رقابت وافر دارند تا برندهای گوناگونی را برای خود کسب کنند؛ برندهایی مانند دوست‌دار طبیعت، حمایت از کشاورزی، بانکداری شرکتی و بانکداری خرد نمونه‌هایی از آنها هستند. با این حال به نظر می‌رسد، «برند بانکداری اسلامی» یا «برند انطباق با شریعت» هم بتواند (در صورت فراهم بودن شرایط) به محوری جهت رقابت بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری تبدیل شود.

۲. چالش‌ها

به طور حتم تشکیل شورای فقهی در بانک یا مؤسسه اعتباری در کنار نقاط مثبتی که دارد، چالش‌ها و هزینه‌هایی نیز برای بانک یا مؤسسه اعتباری پدید می‌آورد که نمی‌توان نسبت به

آنها بی تفاوت بود. در ادامه به برخی از آنها اشاره شده و کوشیده می شود راه حل هایی اولیه نیز برای آنها ارائه شود.

الف) هزینه بر بودن

نخستین و واضح ترین چالش یا مسئله بانک یا مؤسسه اعتباری غیربانکی درباره تشکیل و راه اندازی نظارت شرعی، هزینه بر بودن آن است. در حقیقت تشکیل چنین نهادی در مؤسسه هزینه های مادی مشخصی به همراه خواهد داشت که باید به آن توجه شود؛ از این رو، مسئولان مؤسسه باید ضمن شناخت و محاسبه این هزینه ها به دید روشن نسبت به تشکیل و فعالیت شورای فقهی تصمیم بگیرند.

ب) کمبود متخصصان

کمبود خبرگان بانکداری اسلامی جهت حضور در شوراهای فقهی بانکها و مؤسسه های اعتباری یکی دیگر از چالش های موجود درباره عملیاتی سازی نظارت شرعی در شبکه بانکی است. در حال حاضر تعداد افراد خبره ای که با مبانی فقهی - اصولی و دانش حوزوی آشنا بوده و با دانش تخصصی بانکداری و فعالیت های نظام بانکی آشنا باشند اندک است؛ البته این مسئله نباید به عدم شکل گیری نظارت شرعی بینجامد؛ بلکه لازم است در کنار شروع به فعالیت مؤسسه های علاقه مند در حوزه نظارت شرعی به پرورش نیروهای مورد نیاز و صاحب نظر و جذب آنها به سمت شبکه بانکی اقدام کرد.

ج) تداخل نظارت شرعی با دیگر فعالیت های مؤسسه

در نظام بانکی مقوله نظارت درون بانکی متعارف از راه کنترل های داخلی صورت می پذیرد. در حقیقت هر بانک یا مؤسسه اعتباری در ساختار خود بخش نظارت مشخصی (مانند اداره کل بازرسی و حسابرسی) دارد که وظیفه نظارت بر فعالیت های مؤسسه را بر عهده دارد. حال اگر در کنار این ساختار، بخشی جهت نظارت شرعی تشکیل شود، ممکن است در مقام اجرا میان وظیفه های این بخش و دیگر بخش های نظارتی بانک تداخل و تعارض پدید آید که نیازمند تعریف صحیح حوزه کاری و تعیین دقیق مسئولیت ها است؛ به طوری که تعاملی سازنده میان بخش های گوناگون بانک با شورای فقهی پدید آمده و این شورا مکمل بخش های دیگر باشد. همچنین باید در ساختار سازمانی بانک درباره شیوه حل

اختلاف احتمالی سازوکار مشخصی تعیین شود. با این حال چالش پیش گفته محتمل بوده و باید در تشکیل شورای فقهی به آن توجه کرد.

د) کیفی بودن مقوله انطباق با شریعت و امکان اعمال سلیقه

با توجه به اینکه موضوع انطباق با شریعت فعالیت‌های مؤسسه اعتباری در اساس مقوله‌ای کیفی است، این خطر وجود دارد که سلیقه ناظران شرعی در تعیین میزان شرعی بودن فعالیت‌ها اثرگذاری داشته باشد. به منظور رویارویی با این مشکل، ارائه چک‌لیست‌های مشخص نظارت شرعی و کوشش در جهت کمی کردن شاخص‌ها می‌تواند به‌عنوان یک راهکار در نظر گرفته شود.

ه) اختلاف فتوای فقهی

وجود اختلاف‌های فقهی میان فقیهان و مراجع یکی دیگر از چالش‌های نظارت شرعی در بانک یا مؤسسه اعتباری است. در حقیقت به‌علت آنکه مشتریان بانک از فقیهان گوناگونی تقلید می‌کنند، طبعاً اختلاف‌های فقهی ممکن است در انجام وظیفه نظارتی شورای فقهی اثرگذار شود. به‌نظر می‌رسد می‌توان این مشکل را با در نظر گرفتن ساختار مشخص تدبیر کرد. در حقیقت با توجه به اینکه نظام بانکی باید براساس نظر مشهور فقیهان به فعالیت مشغول باشد، سلسله مراتب تصمیم‌گیری در شورای فقهی می‌تواند در مرحله‌های ذیل طراحی شود:

الف) اگر درباره مسئله‌ای شورای نگهبان نظر مشخصی داشت، همان مبنای تصمیم‌گیری شورای فقهی قرار خواهد گرفت.

ب) اگر درباره مسئله‌ای شورای نگهبان نظری نداشت، شورای فقهی وظیفه دارد نظر اجماعی فقیهان معاصر را مبنای کار قرار دهد.

ج) در شرایط فقدان نظر شورای نگهبان، در صورتی که فقیهان معاصر درباره موضوع اجماع نداشتند، نظر مشهور فقیهان معاصر مبنای عمل خواهد بود.

د) اگر درباره مسئله‌ای نه شورای نگهبان نظر داده بود و نه اینکه اجماع و شهرت در نظریه‌های فقهی قابل استخراج بود، آن‌گاه دیدگاه فقهی که با فتوای رهبری تطابق دارد مبنای عمل خواهد بود.

ه) اگر درباره مسئله‌ای نه شورای نگهبان نظر داده بود و نه اجماع و شهرت در نظریه‌های

فقهی قابل استخراج بود و رهبری نیز درباره موضوع فتوا نداده بودند، آن‌گاه اجتهاد اکثریت اعضای شورای فقهی مبنای عمل خواهد بود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادهای برای عملیاتی کردن نظارت شرعی

پژوهش پیش رو کوشید تا ضمن تعریف نظارت شرعی و تبیین ضرورت نظارت شرعی بر عملیات بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی اسلامی، الگوهای گوناگون نظارت شرعی در کشورهای دیگر را مورد بررسی قرار دهد. افزون بر این کوشید تا منافع و چالش‌های احتمالی راه‌اندازی نظارت شرعی در نظام بانکی کشور را مورد کاوش قرار دهد. با توجه به آنچه مطرح شد می‌توان توصیه‌های سیاستی ذیل را جهت اجرا به نظام بانکی کشور ارائه کرد:

۱. باید پذیرفت که اجرای صحیح قانون عملیات بانکی بدون ربا، نیازمند اصلاح ساختار نظارتی فعلی بانک مرکزی و تقویت آن به صورتی است که نظارت بر شرعی‌بودن عملیات بانکی هم در کنار دیگر مقوله‌ها مورد توجه قرار گیرد. در این جهت پیشنهاد می‌شود بانک مرکزی نسبت به تدوین دستورالعملی مشخص جهت ارتقای جایگاه شورای فقهی بانک مرکزی اقدام ورزد. لازم است در این دستورالعمل برای شورای فقهی بانک مرکزی وظیفه‌های نظارتی، مشورتی و آموزشی تعریف شود.

۲. با توجه به اینکه امکان نظارت شورای فقهی بانک مرکزی بر تمام بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری وجود ندارد، لازم است خود مؤسسه‌های نیز در این فرایند مشارکت کنند. در این جهت پیشنهاد می‌شود بانک مرکزی نسبت به تدوین دستورالعملی مشخص در جهت زمینه‌سازی تشکیل شوراهای فقهی در بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری حرکت کند. لازم است در این دستورالعمل برای شورای فقهی بانک وظیفه‌های نظارتی، مشورتی و آموزشی تعریف شود.

۳. با توجه به جدیدبودن نظارت شرعی در شبکه بانکی کشور لازم است از هر گونه شتاب در این‌باره پرهیز شود. در این جهت پیشنهاد می‌شود تشکیل شوراهای فقهی در بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری در ابتدا به‌طور کامل اختیاری بوده و مؤسسه‌هایی که در این فرایند وارد شده و نسبت به ارزیابی شرعی‌بودن فعالیت‌های خود اقدام می‌ورزند، مورد تشویق بانک مرکزی قرار گیرند.

۴. به‌طور حتم انجام نظارت شرعی نیازمند وجود چک‌لیست‌های نظارتی مرتبط است. در این جهت پیشنهاد می‌شود بانک مرکزی نسبت به طراحی چک‌لیست‌های نظارت شرعی (مشابه چک‌لیست‌هایی که برای دیگر مقوله‌های نظارتی وجود دارد) اقدام ورزد.
۵. وجود اصول احتیاطی نظارت شرعی (مشابه اصول نظارتی بازل) به مؤسسه‌های اعتباری کشور در جهت اجرای صحیح و کم‌هزینه نظارت شرعی کمک می‌کند. در این جهت پیشنهاد می‌شود بانک مرکزی نسبت به طراحی اصول اساسی نظارت شرعی مؤثر (مشابه استانداردهای کمیته بازل) اقدام ورزد.
۶. پیشنهاد می‌شود شورای فقهی بانک یا مؤسسه اعتباری (به منظور بالابردن امکان ارتباط خود با شعبه‌ها)، نسبت به تعیین «رابط شورای فقهی» در تمام شعب مؤسسه (یا حداقل سرپرستی‌های مناطق) اقدام ورزد؛ مشابه آنچه که درباره مبارزه با پول‌شویی در نظام بانکی کشور پیش از این انجام شده است. رابط شورای فقهی، نماینده شورای فقهی در شعبه بوده و در جهت پدیدآمدن رابطه بین شورای فقهی و شعبه حرکت می‌کند.
۷. به‌طور حتم کامیابی شورای فقهی بانک مرکزی (و نیز مؤسسه‌های اعتباری) در گرو ارتباط مؤثر با دانش علمی بانکداری اسلامی است. در این جهت پیشنهاد می‌شود شورای فقهی بانک مرکزی نسبت به تشکیل «اتاق فکر» در مجموعه‌های پژوهشی مرتبط (مانند پژوهشکده پولی و بانکی) اقدام ورزد. این اتاق وظیفه دارد جدیدترین تحول‌های بانکداری اسلامی از لحاظ ابزارها، شیوه‌ها و روش‌ها را رصد کرده و پیشنهادهایی جهت تصمیم‌گیری در اختیار شورای فقهی بانک مرکزی قرار دهد.
۸. یکی از پیش‌نیازهای کامیابی نظارت شرعی، آموزش کارکنان درباره بحث‌های بانکداری اسلامی است. در این جهت پیشنهاد می‌شود بانک مرکزی از تجربه سازمان بورس و اوراق بهادار استفاده کرده و ضمن طراحی آزمون‌هایی مشخص، ورود کارمندان در شبکه بانکی را مشروط به کسب مدارک این آزمون‌ها کند. به‌طور حتم لازم است یکی از محورهای مهم این آزمون‌ها، اصول بازار پولی اسلامی باشد؛ مشابه آزمونی که در سازمان بورس و اوراق بهادار با عنوان اصول بازار سرمایه اسلامی برگزار می‌شود. افزون بر این، لازم است فارغ‌التحصیلان رشته‌های مرتبط با بانکداری اسلامی از دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزشی - پژوهشی معتبر در اولویت استخدام شبکه بانکی قرار گیرند.

۹. به منظور تقویت نظارت شرعی در شبکه بانکی پیشنهاد می‌شود بانک مرکزی با کمک اعضای شورای فقهی این بانک، شاخص‌هایی کمی جهت رتبه‌بندی مؤسسه‌های اعتباری از دید انطباق با شریعت ارائه کرده و به صورت سالانه رتبه مؤسسه‌های را از این دید (به عموم مردم) اعلام کند. به طور حتم انجام چنین اقدامی انگیزه مؤسسه‌های در بالابردن مشروعیت فعالیت‌هایشان را افزایش خواهد داد.

۱۰. در حال حاضر با پیشرفت شیوه‌های حسابداری، حسابرسی، نظارت، رتبه‌بندی، بانکداری الکترونیک و ...، بسیاری از مسائلی که در گذشته از چالش‌های اصلی اجرای بانکداری بدون ربا بودند و راه‌حلی نداشتند، قابل حل به نظر می‌رسند. در این جهت پیشنهاد می‌شود بانک مرکزی و خود مؤسسه‌های اعتباری زمینه استفاده از ظرفیت‌های جدید پدیدآمده در جهت تحقق بانکداری بدون ربا استفاده کنند. به طور مشخص، راه‌اندازی پایگاه برخط پاسخ به پرسش‌های شرعی ذی‌نفعان به وسیله شورای فقهی بانک مرکزی یا مؤسسه‌های اعتباری می‌تواند به عنوان نخستین گام در تحقق نظارت شرعی مطرح شود.

پیوست‌ها: قوانین و مقررات پیشنهادی جهت اجرای نظارت شرعی در نظام بانکی کشور

یکی از مهم‌ترین پیش‌نیازهای اجرای نظارت شرعی به وسیله بانک مرکزی کشور، فراهم‌بودن زمینه‌های قانونی مرتبط است. این مسئله دست‌کم در سه سطح قابل تصور است:

الف) اضافه‌شدن فصلی مستقل به قانون عملیات بانکی بدون ربا درباره نظارت شرعی؛

ب) تدوین آیین‌نامه اجرایی قانون پیش‌گفته در جهت تشکیل شورای فقهی بانک مرکزی؛

ج) تهیه چک‌لیست‌های نظارت شرعی شعبه‌ها به وسیله شورای فقهی بانک مرکزی.

در ادامه نمونه‌ای از قوانین و مقررات پیشنهادی برای هر سه سطح پیش‌گفته ارائه می‌شود. به نظر می‌رسد این نمونه‌ها می‌توانند به فرایند تدوین قوانین و مقررات به وسیله مجلس شورای اسلامی و بانک مرکزی کمک شایانی کنند.

۱. مواد قانونی پیشنهادی جهت اصلاح قانون عملیات بانکی بدون ربا

نخستنی توصیه سیاستی مستخرج از پژوهش پیش رو آن است که فصلی مستقل درباره نظارت شرعی به قانون عملیات بانکی بدون ربا اضافه شود. مواد قانونی این فصل می‌تواند شامل موارد ذیل باشد:

فصل ششم: انطباق با شریعت و نظارت شرعی

ماده ۱: بانک مرکزی موظف است بر اجرای صحیح قانون عملیات بانکی بدون ربا و انطباق فعالیت‌ها با شرع مقدس نظارت داشته باشد.

ماده ۲: بانک مرکزی موظف است با تشکیل شورای فقهی، زمینه نظارت شرعی بر انطباق فعالیت‌های بانک مرکزی و شبکه بانکی با آموزه‌های اسلامی را فراهم کند.

ماده ۳: شورای فقهی بانک مرکزی جزو ارکان بانک مرکزی بوده و اعضای فقهی آن به‌وسلیه رهبری/ شورای مدیریت حوزه علمیه قم/ مجمع عمومی بانک مرکزی انتخاب شده و با حکم رئیس بانک مرکزی منصوب می‌شوند و اعضای دیگر با پیشنهاد هیئت عامل بانک مرکزی و انتخاب رئیس بانک مرکزی منصوب می‌شوند.

ماده ۴: شورای فقهی بانک مرکزی متشکل از پنج مجتهد متجزی در حوزه فقه معامله‌ها و صاحب‌نظر در مسائل پولی و بانکی، یک حقوق‌دان آشنا با بحث‌های بانکی، یک اقتصاددان متخصص در حوزه پول و بانک، دو تن از بانکداران با سابقه در شبکه بانکی کشور، رئیس کل یا قائم مقام بانک مرکزی، ریاست پژوهشکده پولی و بانکی و ریاست مؤسسه عالی بانکداری ایران باشد.

تبصره یک: در صورت نیاز در جلسه‌های گوناگون از استادان خبره حسابداری (یا صاحب‌نظران دیگر حوزه‌ها) جهت شرکت در جلسه‌ها دعوت خواهد شد.

تبصره دو: مصوبات فقهی شورا با رأی اکثریت فقیهان خواهد بود و در دیگر موارد معیار رأی اکثریت همه اعضا خواهد بود.

ماده ۵: شورای فقهی بانک مرکزی وظیفه دارد بر طراحی ابزارهای پولی و بانکی، شیوه‌های عملیاتی، آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها، بخش‌نامه‌ها، قراردادها و چگونگی اجرای آنها، از جهت انطباق با موازین شریعت نظارت و اظهارنظر کند.

تبصره یک: مصوبه‌های شورای فقهی بانک مرکزی برای تمام نهادهای نظام بانکی لازم‌الرعایه

است و معاونت نظارت بانک مرکزی بر حسن اجرای مصوبات این شورا نظارت می‌کند. تبصره دو: در صورتی که مشروعیت عقد، ابزار یا شیوه‌ای در شورای فقهی بررسی شد و مورد تأیید قرار گرفت، بانک مرکزی می‌تواند اجازه استفاده از عقد، ابزار یا شیوه یادشده را به شبکه بانکی ابلاغ کند.

ماده ۶: شورای فقهی بانک مرکزی وظیفه دارد چک‌لیست‌های نظارت شرعی از شعبه‌های بانکی را تهیه کرده و آن را جهت اجرا در اختیار معاونت نظارتی بانک مرکزی قرار دهد. بخش نظارتی بانک مرکزی وظیفه دارد با استفاده از چک‌لیست‌های پیش‌گفته بر شرعی بودن عملیات شعبه‌های بانکی به صورت پیوسته نظارت کند.

ماده ۷: معاونت نظارت بانک مرکزی وظیفه دارد با همکاری شورای فقهی، همه‌ساله گزارش رتبه‌بندی بانک‌ها از دید انطباق با شریعت فعالیت‌ها را به صورت عمومی منتشر کند. همچنین لازم است تدبیرهای لازم جهت تشویق بانک‌ها و مؤسسه‌هایی که رتبه بالاتری کسب می‌کنند و تنبیه بانک‌ها و مؤسسه‌هایی که رتبه کمتری می‌یابند در نظر گرفته شود. ماده ۸: آیین‌نامه اجرایی تأسیس، فعالیت و انحلال شورای فقهی بانک مرکزی حداکثر سه ماه پس از ابلاغ این قانون تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

۲. نمونه آیین‌نامه اجرایی جهت فعالیت شورای فقهی بانک مرکزی

پس از اصلاح قانون، دومین پیش‌نیاز در جهت اجرای صحیح نظارت شرعی، تشکیل شورای فقهی در بانک مرکزی براساس آیین‌نامه‌ای مشخص است. متن پیشنهادی این آیین‌نامه می‌تواند به این صورت تبیین شود:

آیین‌نامه تأسیس، فعالیت و انحلال شورای فقهی بانک مرکزی

به استناد ماده (۸) فصل ششم قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ----- مجلس شورای اسلامی و با توجه به وظیفه ذاتی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در تضمین اجرای صحیح بانکداری بدون ربا در نظام بانکی کشور، آیین‌نامه تشکیل و فعالیت «شورای فقهی بانک مرکزی» به شرح ذیل به تصویب می‌رسد:

بخش اول: تعاریف

ماده ۱: اصطلاحات به کار رفته در این آیین‌نامه معانی ذیل را دارد:

۱. بانک مرکزی: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
۲. شورای فقهی بانک مرکزی: کمیته‌ای است که به سبب تشکیلات مصوب بانک مرکزی و براساس ماده ۴ این آیین‌نامه تشکیل می‌شود و بعد از این «شورای فقهی» نامیده می‌شود.
۳. مؤسسه اعتباری: بانک یا مؤسسه اعتباری غیربانکی که به سبب قانون یا با مجوز بانک مرکزی تأسیس شده و تحت نظارت این بانک است.
۴. چکالیست نظارت شرعی: مجموعه‌ای از شاخص‌های جزئی و موردی درباره شرعی بودن فعالیت‌های گوناگون بانکی که لازم است به‌وسیله ناظران و بازرسان مورد استفاده واقع شود.

بخش دوم: موضوع فعالیت

ماده ۲: مأموریت اصلی شورای فقهی عبارت است از: نظارت بر شرعی بودن تمام مقررات، آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها، ابزارها و شیوه‌های مورد استفاده در نظام بانکی کشور و نظارت بر اجرای صحیح و شرعی بانکداری بدون ربا در عمل.

بخش سوم: تشکیلات

ماده ۳: شورای فقهی به ارکان بانک مرکزی اضافه شده و دبیرخانه آن در معاونت نظارت این بانک تشکیل می‌شود.

تبصره ۱: دبیر شورای فقهی بانک مرکزی که مسئولیت دبیرخانه را بر عهده دارد، زیر نظر رئیس شورای فقهی فعالیت می‌کند و دبیرخانه مسئول پی‌گیری مصوبه‌های شورای فقهی است.

تبصره ۲: دبیرخانه در صورت نیاز می‌تواند از افراد توانمند به‌عنوان «کارشناسان بانکداری اسلامی» جهت انجام امور مرتبط استفاده کند.

ماده ۴: اعضای شورای فقهی دوازده عضو است که به این شرح انتخاب می‌شوند: پنج نفر فقیه (مجتهد متجزی) صاحب‌نظر در مسائل بانکی و بازار پول با تصویب ... (مطابق قانون)؛ دو نفر از بانکداران با سابقه در شبکه بانکی کشور با تعیین رئیس کل؛ یک نفر حقوق‌دان آشنا با بازار بانکی با تعیین رئیس کل؛ یک نفر اقتصاددان آشنا با اقتصاد و بانکداری اسلامی با تعیین رئیس کل؛ رئیس کل یا قائم مقام بانک مرکزی؛ ریاست پژوهشکده پولی و بانکی و ریاست مؤسسه عالی بانکداری ایران.

ماده ۵: تصمیم‌گیری در مسائل فقهی با افراد یادشده در بند ۱ ماده ۴ خواهد بود و صورت جلسات شورای فقهی به امضای تمام اعضای حاضر شورای فقهی می‌رسد.

ماده ۶: مصوبه‌ها و تصمیم‌های شورای فقهی پس از تأیید رئیس کل بانک مرکزی برای تمام ارکان نظام بانکی لازم‌الاجرا بوده و تمام بخش‌های بانک مرکزی موظف به همکاری و تعامل سازنده با شورای فقهی هستند (مصادق‌های تعامل سازنده به‌وسیله شورای فقهی تعیین می‌شود).

ماده ۷: اعضای شورای فقهی بانک مرکزی نمی‌توانند هیچ نوع سمت رسمی در بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی داشته باشند.

ماده ۸: نظارت بر اجرای صحیح فرایند تشکیل شورای فقهی بر عهده رئیس کل بانک مرکزی است.

ماده ۹: برای رسمیت جلسه حضور دست‌کم سه نفر از اعضای بند ۱ و ۳ نفر از دیگر اعضای موضوع ماده ۴ ضروری است. در جلسه‌هایی که منتهی به تصمیم‌گیری می‌شود، حضور دست‌کم ۴ نفر از اعضای بند ۱ ماده ۴ ضروری بوده و در هر حال برای تصمیم‌گیری در جلسه‌ها موافقت دست‌کم ۴ نفر از اشخاص موضوع بند ۱ ماده ۴ الزامی است.

ماده ۱۰: رئیس شورای فقهی یکی از پنج فقیه پیش‌گفته در ماده ۴ و به انتخاب آنان خواهد بود.

تبصره: رئیس شورای فقهی وظیفه دارد درباره تعداد جلسه‌های شورای فقهی تصمیم بگیرد، به‌طوری که وقت کافی به‌وسیله شورا درباره موضوع‌های مطرح اختصاص یابد.

ماده ۱۱: مدت مأموریت هر یک از اعضای شورای فقهی سه سال است. تعویض و جایگزینی اعضا یا انتخاب دوباره آنها پس از پایان دوره مأموریت بلامانع است.

ماده ۱۲: بانک مرکزی مؤظف است در صورت احراز عدم صلاحیت، فوت یا استعفای هر یک از اعضای شورای فقهی، جانشین وی را ظرف پانزده روز معرفی کند. جانشین وی برای مدت باقی‌مانده به همان ترتیب مقرر در ماده ۴ منصوب خواهد شد.

ماده ۱۳: حق الزحمه شورای فقهی به‌وسیله رئیس کل بانک مرکزی تعیین می‌شود.

بخش چهارم: وظایف و اختیارات

ماده ۱۴: وظایف و اختیارات شورای فقهی به شرح ذیل است:

۱. تهیه چک‌لیست‌های نظارت شرعی از شعبه‌های بانکی و ارائه آن به معاونت نظارت بانک مرکزی جهت اجرا؛
۲. نظارت بر شرعی بودن تمام فعالیت‌های بانک مرکزی با تأکید بر ابزارهای سیاست‌گذاری پولی؛
۳. ارزیابی ابزارهای جدید پیشنهادی برای استفاده در بخش تجهیز و تخصیص منابع و خدمات مؤسسه‌های اعتباری؛
۴. ارائه شیوه‌های عملیاتی جدید به منظور تقویت استفاده از انواع گوناگون اوراق بهادار اسلامی (صکوک) در بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری؛
۵. ارائه مشورت شرعی و پاسخ‌گویی به پرسش‌های شرعی مطرح‌شده درباره عملیات بانکی به‌وسیله مدیران و کارکنان بانک مرکزی؛
۶. انجام بازرسی‌های موردی از مؤسسه‌های اعتباری به منظور ارزیابی صحت اجرای بانکداری بدون ربا در عمل و تهیه گزارش برای رئیس کل؛
۷. ارائه گزارش سالانه «انطباق با شریعت فعالیت‌های بانک مرکزی» و ارائه آن به مجمع عمومی؛
۸. زمینه‌سازی طراحی و اجرای همایش‌ها و نشست‌های کاربردی درباره اجرای بانکداری بدون ربا (با تأکید بر همایش سالانه بانکداری اسلامی)؛
۹. پدیدساختن ارتباط مؤثر و نظام‌مند بین شورای فقهی بانک مرکزی از یک طرف و دفترهای مراجع تقلید، دفتر رهبری و شورای نگهبان از سوی دیگر؛
۱۰. انجام و پی‌گیری دیگر موارد ارجاعی به‌وسیله رئیس کل بانک مرکزی در موضوع بانکداری بدون ربا.

ماده ۱۱: این آیین‌نامه در ۱۴ ماده و ۳ تبصره در جلسه شماره ----- هیئت دولت مورخ ---/--/-- به تصویب رسید.

۳. نمونه چک‌لیست‌های پیشنهادی جهت نظارت شرعی از شعبه‌ها

پس از اصلاح قانون و تدوین آیین‌نامه‌ای مشخص درباره نظارت شرعی، مهم‌ترین اقدام لازم جهت انجام وظیفه نظارت شرعی به‌وسیله بانک مرکزی، وجود چک‌لیست‌های نظارت شرعی است. در حقیقت در حال حاضر ناظران معاونت نظارت بانک مرکزی در بازرسی‌های خود از بانک‌ها موضوعات گوناگونی مانند: اختلاس، تخلف، پول‌شویی، مقررات ارزی و ... را با استفاده از چک‌لیست‌هایی که دارند مورد پایش قرار می‌دهند؛ اما جای چک‌لیست‌های نظارت شرعی از شعبه‌های بانکی خالی بوده و به همین علت، در ادامه چند چک‌لیست پیشنهادی جهت نظارت شرعی از شعبه‌ها ارائه می‌شود.

بخش اول: چک‌لیست نظارت شرعی از کلیات شعبه

خیر	بله		شاخص ارزیابی
	ناقص	کامل	
			آیا منشور اخلاقی (مجموعه کدهای اخلاقی لازم‌الرعایه) در شعبه در محل مناسب و قابل رؤیتی قرار گرفته است؟
			آیا سامانه نوبت‌دهی جهت رعایت حقوق مشتریان راه‌اندازی شده است؟
			آیا کارکنان به رعایت نوبت‌های مشتریان متعهد هستند؟
			آیا اطلاعات رئیس شعبه درباره عقدهای اسلامی و شیوه‌های اجرای صحیح آن مناسب است (این شاخص به وسیله مصاحبه شفاهی با رئیس شعبه استخراج می‌شود)؟
			آیا اطلاعات رئیس بخش اعتبارات درباره عقدهای اسلامی در تخصیص منابع و شیوه‌های اجرای صحیح آن مناسب است (این شاخص به وسیله مصاحبه شفاهی با رئیس بخش اعتبارات استخراج می‌گردد)؟
			آیا اطلاعات کارکنان درباره عقدهای اسلامی و شیوه‌های اجرای صحیح آن مناسب است (برای بررسی این شاخص چند کارمند به صورت تصادفی انتخاب شده و مورد بررسی واقع می‌شوند)؟
			آیا امکانات یا شیوه خاصی به منظور پاسخ‌گویی به پرسش‌های شرعی مشتریان بانک تدارک دیده شده است؟
			آیا تبلیغ خاصی درباره بانکداری اسلامی و ضرورت اجرای صحیح عقدها در محل شعبه وجود دارد؟

بخش دوم: چک‌لیست نظارت شرعی از پرونده‌های سپرده‌های جاری، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری

خیر	بله		شاخص ارزیابی
	ناقص	کامل	
			آیا متن قراردادهای واضح و قابل خواندن است؟
			آیا اشکال شرعی خاصی در متن قراردادهای سپرده‌گذاری وجود دارد؟
			آیا سپرده‌گذاران توضیحات کافی درباره ماهیت عقدهای مورد استفاده (قرض الحسنه و وکالت) دریافت می‌کنند؟ (برای بررسی این شاخص چند سپرده‌گذار به صورت تصادفی انتخاب شده و مورد بررسی واقع می‌شوند).
			آیا در متن قراردادهای قرض الحسنه پس‌انداز پرداخت جایزه قطعی شمرده می‌شود یا بانک در پرداخت یا عدم پرداخت آن مختار است؟
			آیا سپرده‌گذاران در حساب‌های قرض الحسنه پس‌انداز دریافت جایزه را حق قانونی و شرعی خود می‌دانند؟
			آیا سپرده‌گذاران در حساب‌های سرمایه‌گذاری درباره ماهیت مشارکتی عقد وکالت و شریک‌بودن آنها در سودوزیان (به‌طور مشخص ماهیت سود علی‌الحساب و سود قطعی) اطلاعات کافی دریافت می‌کنند؟
			آیا شعبه مورد بررسی نسبت به محاسبه، اعلام و پرداخت مابه‌التفاوت سود قطعی و علی‌الحساب تأکید دارد؟ آیا تاکنون این کار انجام شده است؟

بخش سوم: چک‌لیست نظارت شرعی از موارد عمومی پرونده‌های تسهیلات*

خبر	بله		شاخص ارزیابی
	ناقص	کامل	
			آیا در مجموع عقد مورد استفاده جهت اعطای تسهیلات با نیاز مشتری هم‌خوانی دارد؟
			آیا اشکال شرعی خاصی در متن قرارداد وجود دارد؟
			آیا صفحات قرارداد کامل بوده و تمام آن به‌وسیله تسهیلات‌گیرنده پر شده است؟
			آیا متن قرارداد با بیانی ساده و قابل فهم تدوین شده است؟
			آیا شیوه نگارش و فونت متن قرارداد واضح و قابل مطالعه است؟
			آیا تسهیلات‌گیرندگان درباره ماهیت عقد مورد استفاده اطلاعات کافی دریافت کرده‌اند (برای بررسی این شاخص با چند تسهیلات‌گیرنده به‌صورت تصادفی تماس تلفنی برقرار شده و اطلاعات لازم دریافت می‌شود)؟
			آیا تسهیلات‌گیرندگان در رابطه با ماهیت جریمه تأخیر (وجه‌التزام) و ابعاد حقوقی آن اطلاعات کافی دریافت نموده‌اند (برای بررسی این شاخص با چند تسهیلات‌گیرنده به‌صورت تصادفی تماس تلفنی برقرار شده و اطلاعات لازم دریافت می‌شود)؟

بخش چهارم: چک‌لیست نظارت شرعی از موارد اختصاصی در پرونده‌های تسهیلات

الف) موارد اختصاصی در تسهیلات اعطایی به‌وسیله عقد مشارکت مدنی**

خبر	بله		شاخص ارزیابی
	ناقص	کامل	
			آیا پیش از شروع مشارکت مستندات کافی درباره ماهیت مشارکت دریافت شده است؟
			آیا پیش از شروع مشارکت طرح توجیهی اقتصادی پروژه موضوع مشارکت دریافت شده است؟
			آیا پیش از پرداخت تسهیلات به‌وسیله شعبه، سهم‌الشرکه مشتری به حساب تعیین شده واریز و محاسبه شده است؟
			آیا نرخ سود انتظاری تعیین شده متناسب با طرح توجیهی ارائه شده و شرایط اقتصاد واقعی است؟
			آیا مراحل پرداخت تسهیلات مطابق ضوابط تعیین شده پیش رفته است؟
			آیا عملیات بازرسی از مراحل پیشرفت پروژه (و تدوین گزارش کارشناسی) انجام شده است؟
			آیا پس از خاتمه پروژه نسبت به محاسبه سود قطعی حاصل از آن اقدام شده است؟
			آیا مشتری حساب مشخصی برای واریز تسهیلات (سهم‌الشرکه بانک) افتتاح کرده است؟

* برای بررسی این شاخص‌ها چند پرونده به‌صورت تصادفی انتخاب شده و مورد بررسی واقع می‌شوند.

** به منظور جلوگیری از طولانی شدن مطالب در این قسمت فقط به چک‌لیست مرتبط با چند عقد اصلی

(که در اکثر بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری مورد استفاده واقع می‌شود) اشاره شده است.

ب) موارد اختصاصی در تسهیلات اعطایی به وسیله عقد اجاره به شرط تملیک

خیر	بله		شاخص ارزیابی
	ناقص	کامل	
			آیا پیش از شروع رابطه حقوقی، مستندهای کافی درباره مورد اجاره دریافت شده است؟
			آیا اسناد تحویل کالا به مشتری قابل قبول و واقعی هستند؟
			آیا کالای مورد اجاره در زمره کالاهای بادوام قرار دارد؟
			آیا تسهیلات گیرنده سهم خود از خرید کالا را به حساب تعیین شده به وسیله بانک واریز کرده است؟
			آیا مراحل پرداخت تسهیلات مطابق ضوابط تعیین شده پیش رفته است؟
			آیا شعبه شیوه مشخصی به منظور تضمین واقعی بودن اجاره و نقل و انتقال کالا اتخاذ کرده است؟

ج) موارد اختصاصی در تسهیلات اعطایی به وسیله عقد فروش اقساطی

خیر	بله		شاخص ارزیابی
	ناقص	کامل	
			آیا مستندهای کافی درباره کالای مورد معامله دریافت شده است؟
			آیا اسناد تحویل کالا به مشتری قابل قبول و واقعی هستند؟
			آیا کالای مورد معامله در زمره کالاهای سهل البیع قرار دارد؟
			آیا بیع العینة (شرط کردن بیع اقساطی در بیع نقدی) در متن قراردادها مشاهده می شود؟
			آیا معامله فروش اقساطی به صورت سه طرفه (بانک، مشتری و فروشنده کالا) انجام شده است؟
			آیا شیوه مشخصی به منظور تضمین واقعی بودن خرید و نقل و انتقال کالا اتخاذ شده است؟
			آیا مراحل پرداخت تسهیلات مطابق ضوابط تعیین شده پیش رفته است؟
			آیا تاریخ خرید کالا بعد از تاریخ عقد قرارداد فروش اقساطی بین بانک و مشتری است؟

منابع و مأخذ

۱. احمدی، فضل الله، خدیجه نصیریانی و پروانه اباذری؛ «تکنیک دلفی: ابزاری در تحقیق»؛ مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، ش ۸، ۱۳۸۷.
۲. آذر، عادل و علی رجبزاده؛ «تصمیم گیری کاربردی: رویکرد MADM»؛ تهران: نگاه دانش، ۱۳۸۹.
۳. ایمانی جاجرمی، حسین؛ «آشنایی با روش دلفی و کاربرد آن در تصمیم گیری»؛ دوفصلنامه مدیریت و برنامه ریزی شهری، س ۱، ش ۱، ۱۳۷۹.

۴. خلیلی شورینی، سیاوش؛ روش‌های تحقیق در علوم انسانی؛ چ ۵، تهران: انتشارات یادواره کتاب، ۱۳۸۶.
۵. سرمد، زهره، عباس بازرگان و الهه حجازی؛ روش‌های تحقیق در علوم رفتاری؛ چ ۲۰، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۸۹.
۶. قطان، محمد؛ «سرپرستی شریعت؛ ستون اصلی معماری اسلامی»؛ برگرفته از معماری مالی اسلامی: مدیریت ریسک و ثبات مالی، نوشته تریکولا خان و دادانگ مولجاوان؛ [بی‌جا]، ۲۰۰۶م.
۷. کمیون اوراق بهادار مالزی؛ مصوبات شورای مشورتی شرعی کمیون اوراق بهادار مالزی؛ ترجمه مهدی نجفی و سیدسعید شمسی‌نژاد، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۵.
۸. موسویان، سیدعباس، حسین میسمی، محسن محمدزاده و رسول خوانساری؛ «حاکمیت شرعی در بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی انگلستان و مقایسه آن با ایران»؛ نشریه تحقیقات مالی اسلامی، س ۱، ش ۲، ۱۳۹۱.
۹. موسویان، سیدعباس، محمدنقی نظرپور و حسین کفشگر جلودار؛ «نقش شورای تخصصی فقهی در ارتقای سطح مشروعیت و کارایی بانک‌های اسلامی»؛ فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، س ۹، ش ۳۶، ۱۳۸۸.
۱۰. نیلی، فرهاد و مهرداد سپهوند؛ «نظارت بر بانک‌ها: ابهام در مفهوم، تردید در عمل»؛ نشریه تازه‌های اقتصاد پژوهشکده پولی و بانکی، ش ۱۲۹، ۱۳۸۹.
11. IFSB; “Guiding principles on Sharia governance system for institutions offering Islamic financial services”; Kuala Lumpur: **Islamic Financial Services Board**, 2009.
12. Zulkifli, H; “Regulatory Framework of Shari’ah Governance System in Malaysia, GCC Countries and the UK”; **Kyoto Bulletin of Islamic Area Studies**, Vol. 3, 2010.
13. Zulkifli, H; “A survey on Shari’ah governance practices in Malaysia, GCC countries and the UK: Critical appraisal”;

International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management, Vol. 4, 2011.

14. AAOIFI; **Accounting, Auditing and Governance Standards for Islamic Financial Institutions**; Bahrain: Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions, 2010.
15. Landeta, J.; "Current validity of the Delphi method in social sciences"; **Technological Forecasting and Social Change**, V. 73, N. 5, 2006.
16. Okoli, C., Pawlowski, S.D.; "The Delphi method as a research tool: an example, design, considerations and applications"; **Information and Management**, Vol. 42, 2004.
17. Rowe, M., Wright, N.; "The Delphi technique as a forecasting tool: issues and analysis"; **International Journal of Forecasting**, V. 15, 1999.
18. Rowe, M., Wright, N.; **Expert Opinions in Forecasting: Role of the Delphi Technique**; Boston: Kluwer Academic Publishers, 2001.
19. Tapio, P.; "Disaggregative Policy Delphi: Using cluster analysis as a tool for systematic scenario formation"; **Technological Forecasting and Social Change**, V. 70, 2003.
20. Theodore, J., Gordon, M.; **The Millennium Project: Futures Research Methodology**; New York: Amer Council for the United Nations, 2009.